

خاطره/ کاخ‌ها (و قصرهای) رجوی

۳۱ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۹:۲۸

کاخ‌ها (و قصرهای) رجوی

کاخ‌های کوچک، بزرگ، سرخ، سبز، سفید، تابستانی، زمستانی، ییلاقی، ساحلی و... همه، چیزی نبودند جز دیوارهای ساتر میگزساری‌ها و عیاشی‌ها و خوشگذرانی‌های صاحبان‌شان، جز دیوارهای فاصل و حائل بین مردمی فقیر و خسته و فرسوده و زخمی و مجروح، با ظالمانی تن‌پرور و خوشگذران و سودجو و خونریز و... وجه مشترک همه از فراغه مصر گرفته تا پادشاهان ریز و درشت ایران تا امپراتوران روم تا خلفاء و امراء بی‌دین بلاد اسلامی، در کاخ‌نشینی و زندگی درباری و تجملاتی‌شان خلاصه می‌شود. آنها از مردم خویش بردگانی می‌ساختند که باید کار می‌کردند و جان می‌دادند تا ولی‌نعمتان‌شان تمام ایام را در آرامش، آسایش و رفاه بگذرانند و در زرق و برق خیره‌کننده‌ی کاخ‌هایشان غرق شوند.

آنچه امروز مرا به تعجب واداشته و وادارم کرده تا دست به قلم ببرم، هیچ‌یک از این پادشاهان و امپراتوران و فراغه و امراء کاخ‌نشین نیستند بلکه شخصیتی متوهم و دیوانه‌ی قدرت است که در تقلیدی جنون‌آمیز از آن کاخ‌نشینان، کاخ‌های بسیاری برای خود بنا نموده است و با دروغ و فریب، هزاران انسان بی‌گناه را به بردگی گرفته و هزاران نفر را قربانی کرده است. این مقاله را برای ثبت در سینه‌ی تاریخ می‌نویسم و برای اینکه اگر کسی هنوز بر این باور است که در سازمان مجاهدین رهبری انقلابی، صادق، فداکار، ضد تبعیض و استثمار وجود دارد، بداند که این خیالی خام و توهمی بیش نیست، چرا که یک رهبر انقلابی که اتفاقاً دم از صدق و فدا نیز می‌زند باید همانند مردمی که سنگش را به سینه می‌زند زندگی کند و با نیروها و هوادارانش صادق باشد، اما دریغ! دریغ از صداقت و فدا و یکرنگی!

شاید کمتر کسی باشد که نام مسعود رجوی و فرقه‌اش را نشنیده باشد، اما شک ندارم که کمتر کسی هست که از ماهیت واقعی و پنهان او و اینکه در درون فرقه‌اش چه می‌گذرد، باخبر باشد.

رجوی اگرچه به ظاهر فرعون و امپراتور و پادشاه و امیر نبوده و نیست، اما همانند آنان زندگی می‌کند، خدمه و نوکر و کنیز و سلطان بانو و... دارد، شکنجه‌گر و زندان و زندانبان دارد، هیچ مخالفتی را علیه خود برنمی‌تابد و دست به قتل و تهدید مخالفان خود می‌زند و یا شخصیت‌شان را تخریب می‌کند. او همانند پادشاهان ظالم و قلدر نیز به عیش و نوش و قدرت خود می‌اندیشید و در خانه‌ها و کاخ‌های گرانقیمت روزگار می‌گذراند. و فکر می‌کرد این حق اوست و بقیه‌ی اعضای سازمان نایستی در راحتی و رفاه

باشند و بایستی همواره در شرایط سخت باشند تا روحیه‌ی انقلابی خود را حفظ کنند!!

در اینجا قصد ندارم به همه‌ی ابعاد زندگی اشرافی رجوی بپردازم، بلکه فقط می‌خواهم به کاخ‌ها، خانه‌ها و پناهگاه‌هایی که او با دلارهایی که از صدام حسین و برخی منابع دیگر، در ازای وطن فروشی و خیانت به مردم و جوانان ایران گرفته و برای خود و سلطان‌بانویش مریم ساخته، اشاره‌ای داشته باشم.

در حالی که نیروهای صادق اما فریب‌خورده‌ی سازمان با توهم و خیال مبارزه‌ی انقلابی در بیابان‌های تفتیده و داغ عراق در شرایط بسیار سخت و طاقت‌فرسا روزگار می‌گذرانیدند، و در حالی که همواره دستگاه تبلیغات سازمان از شرایط بد مالی سازمان و نیاز به پول برای ادامه‌ی به اصطلاح مبارزه سخن می‌راند و با دورویی تمام دست کمک پیش خلق قهرمان! بلند می‌کرد، و در حالی که مهدی ابریشمچی، در تلویزیون فرقه ظاهر می‌شد و شوی مسخره‌ی گلریزان را اجرا می‌کرد و پول قلمک بچه‌های هواداران از همه جا بی‌خبر را به‌عنوان کمک مالی می‌گرفت...، مسعود رجوی با صرف میلیون‌ها دلار در نقاط مختلف عراق در حال ساختن کاخ و خانه و پناهگاه برای خود و مریم بود.

وی در چندین مکان مختلف در عراق برای خود خانه‌هایی مجهز ساخته بود که هرکدام متناسب با شرایط حفاظتی و امنیتی تا میلیون‌ها دلار هزینه در بر داشتند، تعدادی از این خانه‌ها برای استقرار موقت و تعدادی نیز خانه‌های دائمی او بودند. در این رابطه می‌توان به خانه‌ها و کاخ‌های زیر اشاره نمود:

کاخ پارسیان (کاخ هزار و یک شب)

مجهزترین و بزرگ‌ترین محل اقامت رجوی کاخی بود نزدیک منطقه‌ی فلوجه در غرب بغداد و در همسایگی قرارگاه باقرزاده (پادگان طارق ارتش عراق). به این مجموعه کاخ «پارسیان» گفته می‌شد. این محل بعد از سقوط صدام توسط ارتش آمریکا تسخیر شد و فرماندهان نظامی آمریکا نام «کاخ هزار و یک شب» را بر آن نهادند.

ساخت این مجتمع بزرگ در دهه‌ی ۷۰ خورشیدی، توسط صدها کارگر و ده‌ها پیمانکار و مهندس عراقی انجام شد، و ۶ سال کار تکمیل آن طول کشید. در هنگام ساخت این پروژه، به من مأموریت داده شد تا به‌عنوان ناظر حفاظتی بر روند کار مهندسان، پیمانکاران و کارگران عراقی نظارت داشته باشم. در چند روز اول حضورم در آنجا به‌دلیل وسعت کاخ و پیچیده بودن نقشه و تعداد اتاق‌ها و راهروها و حیاط‌ها، در پیچ و خم آنجا گم شده و برای برگشت به محل کار اولیه‌ام دچار مشکل و سردرگمی می‌شدم.

اکثر کادرها و اعضای سازمان نیز از ساخت این کاخ خبر نداشتند؛ چرا که کار در یک فضای کاملاً حفاظت شده و پوشیده انجام می‌شد.

کاخ پارسیان در وسط باغی بزرگ قرار گرفته بود. در محوطه‌ی آن استخر بزرگی که اطراف آن با مرمر سنگ‌فرش بود، قرار داشت. حد فاصل میان کاخ تا استخر، آبنمایی بسیار زیبا که از دو طرف به‌وسیله‌ی باغچه‌های گل احاطه شده بود قرار داشت. لازم به ذکر است که این باغ نیز هم‌زمان با احداث کاخ ساخته شده و فضایی خشک و بیابانی داشت، ولی در مدت‌زمانی بسیار کوتاه، با خرید و کاشت هزاران درخت (از قبیل: درختان میوه، درختان تزئینی، انواع نخل‌ها انواع گل‌ها و چمن‌ها)، بیابانی خشک را به باغی سرسبز تبدیل کردند، به‌طوری‌که تمام محوطه غرق گل و گیاه و درخت شده بود. این محوطه حیاط مرکزی کاخ محسوب می‌شد. علاوه بر آن در سه طرف دیگر ساختمان کاخ نیز حیاط‌های زیبا و سرسبز ایجاد شده بود، یعنی در چهار طرف ساختمان، حیاط‌سازی صورت گرفته بود که هر کدام وصف خود را می‌طلبد.

رسیدگی به فضای سبز کاخ برعهده‌ی زنان شورای رهبری بود، بدین ترتیب که تعدادی از این زنان هر هفته از صبح تا ظهر به‌صورت نوبتی کارهای باغبانی و نظافت محوطه‌ی کاخ را انجام می‌دادند. دلیل اینکه این کار حتماً باید توسط زنان شورای رهبری انجام می‌شد را «حفاظت از رهبری» بیان می‌کردند، اما واقعیت چیز دیگری بود، رجوی با این کار اولاً این زنان بیچاره را تحقیر می‌کرد تا به‌قول خودش مبدا فکر کنند کسی هستند و اطاعت‌پذیرتر شوند، ثانیاً نمی‌خواست از نیروهای رده پایین کسی زندگی شاهانه‌ی او را ببیند.

ساختمان اصلی کاخ پارسیان از چهار قسمت تشکیل شده بود:

قسمت اول: محل اقامت مسعود رجوی که در ضلع شمال غرب بنا قرار داشت و حدوداً ۳۰ اتاق شامل اتاق‌های کار شخصی و خواب، سالن‌های متعدد پذیرایی و جلسات خصوصی، کتابخانه و انواع سرویس‌های بهداشتی و چندین راهرو و پاسیوی بزرگ بود. در انتهای راهروی اصلی، سالن‌هایی برای جلسات و تجمعات بزرگ و محل‌های پذیرایی و اماکن بهداشتی خاص مهمانان قرار داشت.

قسمت دوم: محل اقامت مریم رجوی که در ضلع شمال شرق بنا واقع شده بود و همانند ساختمان مسعود، شامل بیش از ۲۵ اتاق خواب، اتاق‌های کار بزرگ و سالن‌های جلسه و اتاق‌های کار خصوصی... بود. در قسمتی از این محل، یک استخر زمستانی مدرن و بزرگ احداث شده بود که اطراف آن را از گل‌های زیبا و درخت‌های آپارتمانی پر کرده بودند، یکی از اتاق‌های خواب و محل کار شخصی مریم مشرف به این قسمت بود.

قسمت سوم: بخش جنوبی ساختمان، که آن هم شامل بیش از ۲۵ الی ۳۰ اتاق، سالن و دفاتر کار بود که متعلق به قسمت دفتر مرکزی رجوی‌ها بود. در این قسمت آشپزخانه‌ها و چند انبار و محل‌های پذیرایی بسیار مجهز نیز قرار داشت.

قسمت چهارم: این قسمت که یک پناهگاه بتونی ضد بمب بسیار مجهز و بزرگ بود، در زیر ساختمان کاخ قرار داشت. این پناهگاه از طریق یک تونل بزرگ به خارج از محوطه‌ی کاخ راه داشت تا در صورت بروز هرگونه خطری، مسعود و مریم رجوی بتوانند از آن استفاده کنند یا از کاخ به سلامت خارج شوند.

ساختمان کاخ بعد از اتمام کار با شیک‌ترین و گران‌قیمت‌ترین وسایل و مبلمان تزئین شده و فرش‌ها و کفپوش‌های گران‌قیمت و انواع وسایل تزئینی و گلدان‌های آپارتمانی و... کاخ را در ردیف کاخ‌های سلطنتی قرار داده بود. کل ساختمان به انواع سیم‌کشی‌های برق اصلی، برق اضطراری، تلفن، اینترنت، شبکه‌ی محلی کامپیوتر، تلویزیون‌های ماهواره‌ای، سیستم آژیر اضطراری، سیستم حفاظتی، وسایل سرمایش و گرمایش، تهویه و... مجهز شده بود. در کنار این کاخ عظیم، در قسمت شمال شرقی یک ساختمان ویلایی با یک هال و ۷ الی ۸ اتاق بسیار زیبا و مجلل ساخته شده بود که به‌طور معمول استفاده‌ی خاصی نداشت.

در کنار این کاخ، یک مجموعه‌ی ساختمانی شامل یک سالن بزرگ ۷۰۰ نفره‌ی آمفی‌تئاتر به نام سالن «احمدی»، یک سالن غذاخوری ۷۰۰ نفره مشرف به باغ میوه، یک ساختمان اداری با یک سالن بزرگ و یک آشپزخانه‌ی بسیار مجهز ساخته شده بود. صندلی‌هایی که در سالن آمفی‌تئاتر احمدی استفاده شده بود، همه از بهترین صندلی‌های چرخدار بود و سن سالن به سبک سازمان ملل با سنگ‌های مرمر سبز تزئین شده بود. و مجموعه‌ی سالن و رستوران آن با گران‌قیمت‌ترین وسایل تجهیز شده بود... در اطراف ساختمان اصلی کاخ چندین ساختمان اداری و مسکونی نیز با استفاده‌های مختلف نیز بنا شده بود که جای شرح جداگانه‌ای دارد...

خیابان‌های اصلی کاخ نیز پوشیده از آسفالت درجه یک با بلوارها و باغچه‌هایی با گل‌های رنگین بود. کاخ و مجموعه‌های ساختمانی داخل آن با دیوارهای بلند ۴ متری احاطه شده و با درب‌های بزرگ آهنی از محوطه‌ی قرارگاه پاریسیان جدا می‌شد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۱۲۷/رجوی-قصرهای-کاخ-خاطره/>